


## Analyzing the Islamic Revolution's Response to the Hierarchy of Human Needs in Transcendent Wisdom (With Emphasis on Imam Khomeini's Perspective)

Hamidreza Moniri Hamzeh Kolai 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.  
h.moniri@umz.ac.ir

### Abstract

The aim of this study is to explore the criterion for the hierarchy of human needs and the Islamic Revolution's response to these needs within the framework of transcendent wisdom (hikmat muta'aliyah), with emphasis on Imam Khomeini's viewpoint. This research is fundamental in nature, with data analysis conducted through qualitative methods. The study is based on the assumption that the framework for identifying and responding to human needs by the Islamic system born from the Islamic Revolution is realized based on transcendent wisdom. The results show that in transcendent wisdom, the different levels and stages of human souls are theorized according to the concept of substantial motion (harakah jawhariyyah) and categorized according to the hierarchy of human needs at the following levels: the animalistic level of humans, the human level, and the transcendent level of humans. The dimensions of human needs in transcendent wisdom encompass three areas: ethical, doctrinal, and jurisprudential, and are classified into material (animal), human, and transcendent levels.

**Keywords:** Islamic Revolution of Iran, Transcendent Wisdom, Human, Imam Khomeini.

---

Received: 2023-06-23 ; Received in revised form: 2023-08-14 ; Accepted: 2023-09-03 ; Published online: 2024-03-24  
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.2017640.2164>

© the authors


<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## بررسی پاسخ انقلاب اسلامی به سلسله نیازهای انسان در حکمت متعالیه (با تاکید بر دیدگاه امام خمینی)

حمیدرضا منیری حمزه کلایی 

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. h.moniri@umz.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی مسئله ملاک سلسله نیازهای انسان و پاسخ انقلاب اسلامی به این نیازها در چارچوب حکمت متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی است. این پژوهش از نوع بنیادی بوده، و تحلیل داده‌ها با روش کیفی انجام شده است. پژوهش بر این فرض استوار است که چارچوب و ملاک شناسایی و پاسخ به نیازهای انسان توسط نظام اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی، براساس حکمت متعالیه محقق می‌شود. نتایج نشان داد که در حکمت متعالیه سطوح و مراتب مختلف نفوس در انسان‌ها، براساس حرکت جوهری نظریه‌پردازی می‌شود و براساس سلسله نیازهای انسان در سطوح ذیل دسته‌بندی می‌شود: سطح حیوانیت انسان، سطح انسانی انسان، و سطح متعالی انسان. ابعاد نیازهای انسان در حکمت متعالیه در ابعاد سه گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی بوده و سطوح نیازهای انسان در سطوح مادی (حیوانی)، انسانی و متعالی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، حکمت متعالیه، انسان، امام خمینی.

استناد به این مقاله: منیری حمزه کلایی، حمیدرضا (۱۴۰۳). بررسی پاسخ انقلاب اسلامی به سلسله نیازهای انسان در حکمت متعالیه (با تاکید بر دیدگاه

امام خمینی). سیاست متعالیه، ۱۲(۱): ۹۷-۱۱۴. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.2017640.2164>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام ناب می‌تواند پاسخگوی همه نیازهای انسان در عرصه فردی و اجتماعی باشد؛ زیرا اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۲۴۲). یکی از مسائلی که می‌بایست مورد توجه پژوهشگران انقلاب اسلامی قرار بگیرد، مسئله نیازهای انسان و نحوه پاسخگویی انقلاب اسلامی به آن نیازها است؛ چراکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشروعیت‌بخش انقلاب اسلامی، حرکت در مسیر پاسخگویی به سلسله نیازهای جامعه ایران و سپس دیگر جوامع می‌باشد.<sup>۱</sup> لذا اگر انقلاب اسلامی بتواند به خواسته‌ها و نیازهای جامعه پاسخ مناسب بدهد، در واقع توانسته دولت مطلوب اسلامی را در راستای دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، محقق نماید. اما مسئله آن است که اولاً سلسله نیازهای انسان کدامند؟ ثانیاً ملاک سنجش نیازها چیست؟ ثالثاً انقلاب اسلامی چگونه و به چه نحو می‌تواند به این نیازها پاسخ گوید؟ از آنجا که پاسخ مناسب، منوط به شناخت صحیح و دقیق نیازهای جامعه می‌باشد، و این شناخت باید براساس چارچوب و ملاکی باشد، غالباً راه‌حل‌های ارائه شده در این زمینه، علمی و دقیق نبوده است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که چارچوب و ملاک شناخت و پاسخ به آن نیازها توسط انقلاب اسلامی، براساس حکمت متعالیه محقق می‌شود. از این‌رو مهم‌ترین سوال پژوهش حاضر این است که سلسله نیازهای انسان در حکمت متعالیه، چه نیازهایی هستند؟ و اینکه نحوه پاسخ انقلاب اسلامی به سلسله نیازهای انسان در حکمت متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی چگونه است؟

در این راستا، هدف پژوهش حاضر واکاوی مسئله سلسله نیازهای انسان و ملاک سنجش نیازها و پاسخ انقلاب اسلامی به این نیازها، در چارچوب حکمت متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع بنیادی بوده، و جهت تحلیل داده‌ها از روش‌شناسی کیفی استفاده شده است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران به محوریت امام خمینی در راستای حکمت متعالیه ملاحظه‌را شروع شد و سپس بوجود آمد، تبیین پاسخ انقلاب اسلامی به سلسله نیازهای جامعه براساس حکمت متعالیه، می‌تواند گام مهمی در مسیر تبیین مشروعیت و حتی کارآمدی نظام اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی باشد. بررسی‌ها حاکی از آن است که، تاکنون پژوهشی با بهره‌گیری از چارچوب نظری مبتنی بر حکمت متعالیه، به واکاوی و بررسی پاسخ انقلاب اسلامی به سلسله نیازهای انسان، با تاکید بر

۱. اشاره به تحقق دولت مطلوب اسلامی و سپس شکل گرفتن جامعه اسلامی در ایران، در راستای دیدگاه مقام معظم رهبری که به اذعان خودشان امتداد دیدگاه امام خمینی می‌باشد، دارد (خدادی و منیری، ۱۳۹۸: ص ۱۵۶).

دیدگاه امام خمینی انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر به این مهم پرداخته است.

## ۲. دلیل اتخاذ حکمت متعالیه به عنوان چارچوب نظری تحقیق

در طول تاریخ پژوهشگران زیادی از جمله کارل راجرز، آبراهام مازلو، کلایتون آلدرفر، هرزبرگ، فروید و هنری موری، سعی در ارائه و طبقه‌بندی انواع نیازهای انسان داشته‌اند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۸۱). از سوی دیگر، متفکران مسلمان اعم از اهل تشیع و سنت همچون غزالی، سید قطب، سید محمدباقر صدر، رشید رضا، جعفر سبحانی، محمدتقی جعفری، محمدتقی مصباح یزدی، سید محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری در مورد نیازهای انسان، به تحقیق پرداخته‌اند (همان: ص ۱۸۲). اما در این پژوهش نیازهای انسان براساس حکمت متعالیه بررسی می‌شود. دلیل اتخاذ حکمت متعالیه به عنوان چارچوب نظری این تحقیق، آن است که امام خمینی چکیده و زبدهٔ مکتب ملاصدرا است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸) و در جرگه حکمت متعالیه و متأثر از صدرالمتألهین شیرازی قرار دارد. بنابراین، انسان‌شناسی امام خمینی و سلسله نیازهای انسان هم مبتنی بر حکمت متعالیه است (لک‌زایی و لک‌زایی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۹). در این راستا، امام خمینی انقلاب اسلامی را برآمده از قرآن، حدیث و حکمت متعالیه و فقه جواهری می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ص ۲۷۱). لذا، بیش از بیست سال به تدریس حکمت متعالیه اشتغال داشتند (لک‌زایی و لک‌زایی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۱). البته می‌توان گفت که هیچ حکومتی جز حکومت جمهوری اسلامی امکانات، علاقه و استعدادها را برای نشر حکمت صدرایی ندارد. همچنان که جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه برای استحکام پایه‌های نظری خود هیچ مکتبی را مستعدتر از مکتب صدرایی و حکمت متعالیه در اختیار ندارد (امه طلب و نامدار، ۱۳۸۶: ص ۴۸-۴۷).

## ۳. الگوی جستاری نیازهای انسان در حکمت متعالیه

در راستای حکمت متعالیه و براساس روایتی در کتاب چهل حدیث،<sup>۱</sup> می‌توان جستاری را ارائه داد که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل نیازهای انسان در ابعاد گوناگون باشد. با این توضیح که، با توجه به سه نشئه عالم هستی (نشئه آخرت که عالم غیب است، نشئه برزخ که عالم متوسط بین عالمین است، نشئه دنیا که عالم شهادت است)، انسان دارای سه نشئه، سه عالم و یا سه مقام می‌باشد. مراتب سه‌گانه انسان، نیازهایی را در

۱. «قال النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سِتَّةٌ قَائِمَةٌ، وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ (كَلْبَنِي، ۱۴۰۷: ق: ۳۷).

عرصه نظر و عمل دارد. بنابراین، اگر به سه لایه انسان که عبارتند از لایه عقلی (متناسب با نشئه آخرت)، لایه قلبی (متناسب با لایه نشئه برزخ) و لایه ظاهری (متناسب با نشئه دنیا)، که لایه‌های نیاز انسان هستند، پاسخ مناسب براساس دین داده شود، وی به عنوان یک انسان تربیت یافته اسلامی، نیازهای اساسی خود را از دین دریافت نموده است. لازم به ذکر است که نیازهای لایه عقلی انسان عبارتند از: نیازهای شناختی، عقلانی و اعتقادی. نیازهای لایه قلبی انسان عبارتند از: نیازهای اخلاقی؛ نیازهای لایه ظاهری انسان عبارتند از: نیازهای فقهی (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۸۶-۳۸۸).

در حکمت متعالیه دسته‌بندی علوم، کاملاً جامع و منظومه‌ای، و متکی به مبانی انسان‌شناسی می‌باشد. براساس حدیث مذکور از پیامبر گرامی اسلام (ص)، علوم به سه دسته و منطبق بر سه لایه وجودی انسان تقسیم می‌شود (همان: ص ۳۸۹). به عبارت دیگر، با توجه به سه لایه وجودی انسان، آیه محکمه، علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه می‌باشد. فریضه عادلّه، مربوط به علم اخلاق بوده و سنت قائمه، مربوط به علوم تعبیه و آداب شرعیه می‌باشد (معینی‌پور و لکزایی، ۱۳۹۱: ص ۶۷). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نیازهای انسان براساس حکمت متعالیه، در ابعاد سه گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی است. از این رو هدف بعثت نبی مکرم اسلام (ص)، دعوت مردم به عرصه عقلانی، اخلاقی و قانونی (فقهی) می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹)؛ حال که ابعاد نیازهای انسان براساس حکمت متعالیه تبیین شد، باید مشخص شود سطوح و یا سلسله نیازهای انسان در حکمت متعالیه چیست؟

#### ۴. سطوح نیازهای انسان در حکمت متعالیه

براساس آراء و مبانی حکمت متعالیه، ملاصدرا نفس را کمال و صورت بدن (به‌مثابه ماده) می‌داند (جامعی، ۱۳۸۴: ص ۸۰)، و در این راستا معتقد است: در هیچ نوعی از انواع موجودات همانند اختلافی که در افراد بشر یافت می‌شود، پیدا نمی‌گردد، و این بدان جهت است که ماده انسانی به گونه‌ای آفریده شده که در آن استعداد و آمادگی انتقال به هر صورتی از صور و اتّصاف به هر صفتی از صفات می‌باشد، و در آن قوه بالا رفتن از مرز بهیمنیت به بالاترین درجات فرشتگان مقرب است. برخی از مردمان در رتبه بهایم و چهارپایانند و نفسشان نفس شهوی است، برخی دیگر در رتبه درّندگان‌اند و نفسشان نفس غضبی است، بعضی از آنان در رتبه شیاطین‌اند و بعضی دیگر از نوع فرشتگان می‌باشند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۷، ص ۱۸۴).

براساس آراء و مبانی حکمت متعالیه صدرایی، سطوح و مراتب مختلف نفوس در انسان‌ها براساس حرکت جوهری نظریه‌پردازی می‌شود، با این بیان که هر موجودی از موجودات، در هستی یکپارچه در حال حرکت و تحول هستند که به تعبیر ملاصدرا این حرکت جوهری، عبادتی فطری است (ملاصدرا، ۱۳۸۵:

ص ۴۰۴). انسان علاوه بر آن حرکت ذاتی جوهری، حرکت دیگری به نام حرکت ارادی دارد که بوسیله آن در طلب امری که آن را برای خویش کمالی بهتر و برتر می‌پندارد، می‌کوشد (همان: ص ۴۰۸). البته از منظر ملاصدرا این حرکت در تمام انسان‌ها به یک اندازه نیست؛ چراکه ای بسا آدمیان به نفس حیوانی زنده‌اند و هنوز به مقام دل نرسیده‌اند. چه جای مقام روح و مافوق آن از اسفل سافلین تا اعلیٰ علیین درجات و مقامات افراد بشر می‌باشد (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ص ۲۶). لذا، ایشان به حرکت جوهری قهری در عالم هستی و همراه بودن حرکت جوهری قهری و حرکت ارادی در انسان معتقد هستند<sup>۱</sup> (اردبیلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۹۸).<sup>۲</sup> در حکمت متعالیه، نفوس انسانی در بدو فطرت و خلقت جز محض استعداد و نفس قابلیت نیستند، و عاری از هرگونه فعلیت در جانب شقاوت و سعادت بوده و پس از وقوع، در تحت تصرف حرکات طبیعی جوهریه و فعلیه اختیاریه، استعداد متبدل به فعلیت می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۰: ص ۳۲۳) به عبارت دیگر، رفتن به عالم تجرد قهری است، اما در این مسافت غیراختیاری، ممکن است کسی بالاخرت سود یا ضرر کند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۷۲).

در این الگو، انسان‌ها در مراحل مختلف رشد از سطح پایین تا سطح متعالی، تنوع می‌یابند. لذا، برای ترسیم نیازها و ضروریات زیست آدمی نیز باید به‌ازای مراتب مختلف انسانی، سخن گفت. از این‌رو لازم است تا سطوح نفس که حقیقت یک انسان می‌باشد، بررسی گردد. براساس راهبرد حکمت متعالیه که جامعی از برهان، قرآن و عرفان است، انسان می‌تواند در حرکت جبلی و ارادی و در قوس صعود، همه مراتب امکانی را تا فراسوی بی‌نهایت و مقام لایققی بپیماید (گرچیان و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ص ۳۵). سعادت از دیدگاه ملاصدرا استکمال نفس است. استکمال، فعلیت یافتن استعدادهای نفس می‌باشد (واعظی، ۱۳۹۱: ص ۶۱). سطوح و مراتب مختلف نفوس در انسان‌ها از سطح پایین تا سطح متعالی، و در مراحل مختلف رشد براساس حرکت جوهری، در سطوح ذیل دسته‌بندی می‌شود:

#### ۴-۱. سطح حیوانیت انسان

در این سطح، نوع نیازهای انسان به دلیل توجه صرف به بُعد جسمانی و مادی انسان، نیازهای حیوانی و

۱. در این راستا، امام خمینی معتقدند: من و آن گیاه و حضرت ختمی مرتبت (ص) هر سه حرکت جوهریه داریم و حرکت جوهریه ... برای هر سه موجود، قهری است، منتها حضرت ختمی مرتبت (ص) در این راه و سیر کمالی به خاطر اکتساب اختیاری به

مقامی رسید که برای احدی رسیدن به آن مقام ممکن نیست (اردبیلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۹۸).

۲. کتاب تقریرات فلسفه امام خمینی توسط عبدالغنی اردبیلی جمع‌آوری شد که به تایید امام خمینی رسید.

دنیایی شمرده می‌شود. در این سطح، نیازهای این جهانی ملاک بوده و هدف آن برآوردن مصالح عمومی و اجتماعی است؛ ولی به بُعد روحانی، معنوی و تأمین سعادت آخرت توجهی نمی‌شود. از دیدگاه امام خمینی، این سطح از نیازها که تمام برنامه‌ریزی‌های مادی دنیای غرب و شرق را دربرمی‌گیرد، اگر به‌طور درست هم اجرا شود، درنهایت سیاستی تک‌بُعدی و ناقص است، چون تنها نیازهای مادی و خیر و صلاح حیوانی را در نظر می‌گیرد. ایشان ضمن انتقاد از این سیاست، معتقد است انسان مانند حیوان نیست که خوراک و پوشاک، تمام شئون او را تشکیل دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۳۴). خواسته‌های صرف دنیوی، خواسته‌های سطح حیوانیت انسان محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۷-۲۴۸). از این رو ملاصدرا قائل است که برخی از انسان‌ها در رتبه بهایم و چهارپایان هستند؛ زیرا نفسشان نفس شهوی است و خواسته‌های صرف حیوانی دارند (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ج ۷، ص ۱۸۴).

#### ۴-۲. سطح انسانی انسان

در این سطح و در راستای حکمت متعالیه، نیازهایی همچون نحوه اداره حکومت و مسائل سیاسی، روابط با جوامع دیگر، اصول همزیستی، جنگ و صلح، مسائل قضایی و حوزه «قانون‌گذاری»، حوزه «امنیت»، حوزه «استقلال ملی و اقتدار بین‌المللی»، نیازهای انسانی جامعه محسوب می‌شود. این سطح از نیازها (یعنی نیازهای انسانی انسان)، اهمیت و ارزش آن در حکمت متعالیه بالاتر از سطح نیازهای مادی انسان محسوب می‌شود. لذا، در این راستا، امام خمینی معتقدند که سعادت انسان در گرو تحقق عدالت در جامعه بوده و تحقق عدالت در جامعه وابسته به تأمین استقلال، آزادی و رعایت قانون و حقوق مردم براساس مصالح عمومی است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱، ص ۲۸۸).

#### ۴-۳. سطح متعالی انسان

در این سطح، افزون‌بر تأمین نیازهای مادی و حیوانی انسان، تلاش برای شکوفایی ارزش‌های معنوی نیز در دستور کار قرار دارد. سطح متعالی انسان، در صورت فعلیت یافتن تقوا محقق می‌شود. از این رو در اسلام تنها امتیاز و برتری، برای افراد متقی است که در مرتبه بالاتری نسبت به دیگران قرار دارند؛ به این دلیل که مرتبه انسانیت آنها بالاتر از دیگران است. لذا، آن چیزی که در اسلام خیلی مهم است، ارج گذاشتن به انسانیت انسان است که البته با علم و تقوا بدست می‌آید (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۶، ص ۴۶۴). لذا، افسوس عمیق در حکمت صدرایی این است که در هیاهوی کوشش‌های انسان برای نیل به امیال و مقاصد خویش و در غوغای درگیری انسان و طبیعت، حقیقتی بس گران‌بهاء به فراموشی سپرده می‌شود و آن، نفس و جوهر

شخصیت انسانی و به تعبیری دیگر «خود انسان» است (امام خمینی، ۱۴۰۹ق/ الف: ص ۵). براساس مطالب پیش گفته، اگر انقلاب اسلامی بتواند در راستای سطوح نیازهای جامعه و با لحاظ به ابعاد سه‌گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی، طی مسیر کند، می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی براساس نیازهای حکمت متعالیه حرکت نموده است.

## ۵. نحوه پاسخگویی انقلاب اسلامی به سطوح نیازهای انسان با تاکید بر دیدگاه امام خمینی

### ۵-۱. نیازهای مادی (حیوانی)

در این سطح نیازهایی همچون رفاه و ارتقاء سطح زندگی، حوزه سلامت و بهداشت، صنعت، اقتصاد، کشاورزی و منابع طبیعی، و حوزه ورزش، نیازهای مادی یا حیوانی جامعه هستند. امام خمینی براساس حکمت صدرایی معتقدند انسان در ابتدا در مرتبه یک حیوان است و لذا خواسته‌هایش در حد حیوانات در راستای شهوت و غضب می‌باشد. از این‌رو اگر خواسته‌های انسان در حد خواسته‌های حیوانی صرف بماند، چون یک موجودی است که به حَسَبِ خلقت از همه موجودات بالاتر است، شهوت، غضب، و شیطنت او می‌تواند تا تقریباً لامتناهی بالا برود (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۱، ص ۴۵۰-۴۴۹). لذا، اگر نفس حیوانی انسان مهار نشود، از همه حیوانات درنده‌تر و موذی‌تر خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۷-۲۴۸).

در این زمینه مبنای انقلاب اسلامی این است که گرچه حقیقت دین فراتر از نیازهای مادی بشر است، اما بی‌اعتنایی به نیازهای طبیعی و روانی انسان مردود است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۴۷۴)؛ زیرا قوانین اسلام، قوانین انسان‌ساز بوده و لذا پاسخگویی نیازهای مادی انسان نیز خواهد بود (همان: ص ۴۷۴)؛ چراکه انسان نیاز به تقویت جسم و جان دارد (همان: ج ۸، ص ۲۵۰). از این‌رو می‌توان گفت انقلابی که برآمده از دین است، باید پاسخگویی نیازهای مادی انسان هم باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۴۷۴). بر این اساس، از منظر امام خمینی سطح زندگی یک خانواده مسلمان از حیث مادی با توجه به زمان حاضر حد معینی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ص ۶۲۳) و می‌تواند تمام نیازهای مادی خود را البته با رعایت اقتصاد پاسخ دهد (همان). در این راستا، هدف انقلاب اسلامی در پاسخ به نیازهای مادی جامعه، این است که کشاورزی کشور با تأمین شرایط زندگی دهقانان هم‌سطح سایر مردم کشور، به حدی برسد که کلیه نیازهای داخلی را برآورده سازد، و صنایع مونثاژ استعماری را که نتیجه آن حداقل سطح زندگی کارگر و افزایش درآمدهای افسانه‌ای افرادی معدود است، به صنایع مستقل و مطابق نیازهای جامعه تبدیل نماید، و در زمینه منابع زیرزمینی مطابق مصالح و نیازهای داخلی، و با رعایت مصالح بشری در سطح جهانی از آنها استفاده

شود (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۳۳۵).

اما نکته اساسی در پاسخ به نیازهای مادی جامعه براساس حکمت متعالیه این است که نظام اسلامی می‌بایست به فراخور موضوع، آموزه‌های اخلاقی، اعتقادی و فقهی را لحاظ کند. به عنوان مثال، نیاز به مسکن و شهرسازی که نیاز مادی جامعه است، می‌بایست با لحاظ جنبه‌های سه‌گانه فوق باشد. لذا، در آن اماکنی مثل مساجد، مراکز فرهنگی اسلامی و... در راستای مباحث اعتقادی، اخلاقی، و فقهی هم تعبیه شده باشد؛ چراکه تمام مقصد انبیاء سوق دادن همه انسان‌ها به معرفت‌الله است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۱۶)، که با مدنظر قرار دادن ملاحظات اعتقادی، اخلاقی و فقهی حاصل می‌شود. بنابراین، در نظام اسلامی باید همه نهادها در راستای عمق بخشیدن به معرفت دینی حرکت بکنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۷/۲۵).

#### ۵-۱-۱. پاسخ به نیازهای مادی مرتبط با حوزه اعتقادات

براساس دیدگاه امام خمینی، نظام اسلامی موظف است به‌گونه‌ای این سطح از نیازهای مادی را پاسخ دهد که نه تنها نیازهای اعتقادی انسان تضعیف نشوند، بلکه تقویت شوند؛ زیرا در نظام اسلامی پاسخ به نیازهای مادی، مقدمه‌ای برای نجات از آن ظلمت‌هایی است که لازمه اعتقادات باطله و جهل‌های مرکب می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۰: ص ۴۳). از این‌رو، نظام اسلامی در راستای پاسخ به نیازهای مادی، موظف است جامعه را به اعتقاد به توحید که ریشه و اصل همه عقاید می‌باشد، سوق دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۳۸۷).

#### ۵-۱-۲. پاسخ به نیازهای مادی مرتبط با حوزه اخلاق

براساس دیدگاه امام خمینی، نظام اسلامی موظف است به‌گونه‌ای این سطح از نیازهای مادی را پاسخ دهد که در راستای آموزه‌های اخلاقی باشد. از این‌رو نظام اسلامی در این سطح می‌تواند با تشویق، توصیه و یا ابزارهای دیگر، اماکن دینی همانند مساجد و یا مراکز فرهنگی که کارکرد اخلاقی دارند را در کنار نیازهای مادی همچون نیازهای شهرسازی و یا مسکن بگنجانند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۰، ص ۲۳۲). به عبارت دیگر، حکومت اسلامی می‌تواند تمام نهادهای مرتبط را در قانون و اجرا، به لحاظ کردن پیوست اخلاقی در کنار پاسخ به نیازهای مادی جامعه، موظف نماید.

#### ۵-۱-۳. پاسخ به نیازهای مادی مرتبط با حوزه فقهی

براساس دیدگاه امام خمینی، نظام اسلامی موظف است در پاسخ به نیازهای مادی جامعه، تمام ملاحظات

فقهی را لحاظ کند. به عنوان مثال، قوانین در شهرداری‌ها به‌گونه‌ای اجرا شوند که مجوز گرفتن مراکز فروش کالاهای حرام همانند فروش مشروبات الکلی ممنوع باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۲۴۷). به عبارت دیگر، حکومت، تمام نهادهای مرتبط در قانون را به رعایت الزامی احکام اسلامی ملزم نماید.

## ۵-۲. نیازهای انسانی

در این زمینه مبنای انقلاب اسلامی این است که می‌بایست به این سطح از نیازهای جامعه پاسخ داده شود. براساس دیدگاه امام خمینی، رعایت قانون، آزادی، وجود احزاب، استقلال و تقسیم کارهای اجتماعی، که نیازهای انسانی جامعه محسوب می‌شود، محترم است و نظام اسلامی موظف به پاسخگویی به این سطح از نیازها می‌باشد. لذا، ایشان در این راستا معتقدند که خصوع در مقابل مذهب و قانون، تجدیدنظر در تصویب‌نامه‌ها و تسلیم مذهب و قانون شدن، علامت شهادت و تمدن است، و موافق نزاکت بین‌المللی بوده و سرپیچی از قانون و سرسختی در مقابل خواست ملت، از عادات قرون وسطی و خلاف نزاکت است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱، ص ۱۱۰). از این رو نیاز جامعه متمدن به حزب (همان: ج ۵، ص ۲۷۷) و یا لزوم آزادی در مطبوعات، اظهار عقاید و آراء (همان: ص ۳۳) در این راستا تحلیل می‌شود. لازم به ذکر است در سطح نیازهای انسانی، افراد بوسیله عقلانیت ابزاری، عرصه حیات بشری را با بهاء دادن به اموری همچون عدالت، آزادی، لذت و ذوق و خواست خود تزیین می‌کنند (پارسانیا و اسلامی تنها، ۱۳۹۲: ص ۱۷). برخی از مصادیق خواسته‌های انسانی انسان از منظر امام خمینی عبارتند از:

♦ اهمیت داشتن آزادی، که از بالاترین نعمت‌های الهی در عالم بوده و انسان حاضر است همه چیز خود را فدای آزادی خودش بکند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۰، ص ۴۶۷). لذا، هدف انبیاء، آزادی انسان‌ها بود (همان: ج ۱۱، ص ۱۸۵).

♦ مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام، حفظ منافع محرومین، گسترش مشارکت عمومی آنان، مبارزه با زراندوزان که بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان به‌شمار می‌رود. لذا، صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۳۴۰).

♦ امنیت، عدالت آزادی، عدالت اقتصادی، تعیین نظامی سیاسی، توجه به آرای مردم، استقلال و مبارزه با استعمار، عدالت (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۶، ص ۵۱۸).

نکته اساسی در پاسخ به نیازهای انسانی جامعه براساس حکمت متعالیه این است که امام خمینی از یک‌طرف بر آزادی‌های مشروع، استقلال و عدم وابستگی و امثالهم تأکید می‌کنند، و از سوی دیگر، بر وجود

دین و آموزه‌های آن در پی‌ریزی و پاسخ به این سطح از نیازها اصرار می‌ورزند. به عبارت دیگر، امام خمینی در پاسخ به سطح نیازهای انسانی جامعه، به هماهنگی با آموزه‌های معنوی تاکید دارند. از این رو، ایشان به واسطه عدم توازن و تناسب در توجه و رشد دو سطح از شاخص‌های نرم‌افزاری، یعنی رشد تمدن و عدم توجه به آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی دین، به تمدن غرب نقد اساسی دارند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱، ص ۷۷). در راستای حکمت متعالیه، با توجه به توأم بودن نیازهای انسانی جامعه با آموزه‌های سه‌گانه دین، امام خمینی جریان کاپیتولاسیون را ظلم بر ملت مظلوم ایران به وسیله شاه مخلوع می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۲، ص ۳۶۹-۳۷۰)؛ زیرا جریان کاپیتولاسیون که نفی نیاز انسانی جامعه بود، به دلیل توأم نبودن با آموزه‌های دین اسلام، موجب اعتراض شدید علما و امام خمینی شد و در نتیجه باعث ستم‌ها و جنایات زیادی بر ملت ایران گردید (همان). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که نظام اسلامی اگر در پاسخ به نیازهای انسانی، به آموزه‌های سه‌گانه اعتقادی، اخلاقی، و فقهی به فراخور موضوع توجه نداشته باشد، و این آموزه‌ها را لحاظ نکند، موجب ظلم و ستم بر مردم می‌شود.

#### ۵-۲-۱. پاسخ به نیازهای انسانی مرتبط با حوزه اعتقادات

در راستای حکمت متعالیه و از منظر امام خمینی، نظام اسلامی ایران موظف است در پاسخ به نیازهای انسانی جامعه، ملاحظات اعتقادی را مدنظر داشته باشد. لذا، به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام، حتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام‌های دیگر را پر کنند (امام خمینی، ۱۴۰۹ ا/ق/الف: ص ۱۴۱). از این رو به طریق اولی وظیفه دارد نیازهای اعتقادی جامعه ایران را برطرف نماید. در راستای پاسخ به نیازهای اعتقادی جامعه، امام خمینی به عنوان مسئول حکومت اسلامی معتقد بود که حکومت می‌بایست جامعه را به سمت اعتقاد به مبدأ قدرت الهی و عدم هراس از قدرت‌های بیگانه سوق دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۳۶). از این رو در رهبریت و فرماندهی خودشان در فرایند پیروزی انقلاب معتقد بودند که بواسطه الهام از اصل اعتقادی توحید که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسان هستند، مبارزات اجتماعی جامعه ایران علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز شد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۳۸۸).

#### ۵-۲-۲. پاسخ به نیازهای انسانی مرتبط با حوزه اخلاق

نیازهایی همچون امور مرتبط با شهروندی، امور مرتبط با کسب و کار، معاشرت، پژوهش، و آپارتمان‌نشینی، برخی از امور انسانی جامعه محسوب می‌شوند که اگر از سوی نظام اسلامی براساس آموزه‌های اخلاقی اسلام پاسخ داده نشود، موجب حاکمیت رذایل اخلاقی و در نتیجه دور شدن از سطح انسانی جامعه و سقوط

به ورطه حیوانیت می‌شود. در راستای پاسخ به نیازهای انسانی با توجه به آموزه‌های اخلاقی، حکومت اسلامی می‌بایست نهاد و افرادی را متکفل تعلیم آموزه‌های اخلاقی در جامعه نماید؛ زیرا علوم معنوی و اخلاقی (که هدف بعثت انبیاء می‌باشد و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است)، به تعلیم و تعلم نیاز دارد و بدون معلم حاصل نمی‌شود (امام خمینی، ۱۴۰۹/الف: ص ۱۵). از این رو نظام اسلامی موظف است شرایط، ابزارها و امکانات لازم برای تبیین و جانداختن علوم معنوی و اخلاقی را فراهم نماید.

### ۳-۲-۵. پاسخ به نیازهای انسانی مرتبط با حوزه فقه

نیازهایی همچون نیاز جامعه به استقلال، عدالت اجتماعی، عزت و اقتدار، برخی از نیازهای انسانی جامعه محسوب می‌شوند که اگر از سوی نظام اسلامی براساس قوانین فقهی اسلام پاسخ داده نشود، موجب خسارت و جنایت بر جامعه می‌شود، مانند عدم رعایت «قاعدۀ نفی سبیل» در جریان تحمیل کاپیتولاسیون (حق مصونیت مستشاران آمریکایی) بر ایران (امام خمینی، ۱۳۷۸/الف: ج ۱۲، ص ۳۷۰)؛ زیرا عدم رعایت قواعد فقهی در پاسخ به نیازهای انسانی جامعه، بر ضد منافع ملی و بر ضد مصالح کشور بود (امام خمینی، ۱۳۷۸/الف: ج ۷، ص ۳۳۳). بنابراین، در مسیر اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، ماهیت و کیفیت قوانین فقهی دین اسلام، حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را کفایت می‌کند (امام خمینی، ۱۴۰۹/ق/ب: ص ۲۹).

### ۳-۵. نیازهای متعالی

در این سطح و در راستای حکمت متعالیه، نیازهایی همچون نیاز به کمال (مصباح، ۱۳۷۸: ص ۲۳)، نیاز به دین و ابعاد آن همانند نیاز به خداشناسی در قالب توحیدی، نیاز به اعتقاد به معاد و نبوت (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ص ۲۸)، نیاز به شرایع و احکام دینی (طباطبایی، ۱۳۹۰/ق: ج ۲، ص ۱۲۰-۱۱۶)، نیاز به اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۲۳۰)، و نیاز به کرامت معنوی (مصباح، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲۲۴) برخی از نیازهای متعالی انسان محسوب می‌شوند. بی‌شک براساس حکمت متعالیه، مهم‌ترین وظیفه نظام برآمده از انقلاب اسلامی پاسخ به این سطح از نیاز جامعه می‌باشد. از این رو، نظام سیاسی مطلوب از نگاه امام خمینی، نظام ارزشی و الهی بوده که حاکم، عهده‌دار تدبیر حکیمانه دنیوی و اخروی جامعه است. این سیاست صراط مستقیم است که از دنیا آغاز و به آخرت ختم می‌شود و تمام ابعاد زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. امام خمینی این نوع سیاست را ویژه پیامبران (ع)، اولیاء (ع) و علمای بیدار اسلام می‌داند و از همین منظر، ایشان اسلام را مساوی با حکومت با همه شئون که انبیاء دارد، می‌شمارد و احکام اسلام را

قوانین این حکومت قلمداد می‌کند. از این‌رو، حاکم اسلامی باید خود تربیت شده به آداب و ارزش‌های اسلامی باشد. بر این اساس، در نگاه امام خمینی «چگونه حکومت کردن» ملازم با «چه کسی می‌تواند حکومت کند» بوده و این دو در ارتباط منطقی با هم هستند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱، ص ۱۱۴).

### ۵-۳-۱. پاسخ به نیازهای متعالی مرتبط با حوزه اعتقادات

از منظر امام خمینی، یکی از لوازم اصلی پاسخ به نیازهای اعتقادی جامعه، تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است. لذا، از منظر ایشان اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است؛ چنانکه مبارزه و کوشش برای آن، جزئی از اعتقاد به ولایت است (امام خمینی، ۱۴۰۹ ا/ب: ص ۲۱). لذا، براساس تربیت متعالیه و در راستای دیدگاه امام خمینی، در مسیر بُعد اعتقادی و معرفتی، در نظام اسلامی با توجه به اینکه تمام مقصد انبیاء سوق دادن همه انسان‌ها به معرفت‌الله است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۱۶)، وظیفه حکومت اسلامی این است که جامعه را از حیث اعتقادی به سمت معارف دینی سوق دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۴۵۰). از این‌رو، لازم است کار معرفتی عمیق انجام بگیرد، تا مبنای معرفتی به طور طبیعی انتشار پیدا بکند و عقبه عاطفی و فکری همه جامعه را برای خودش کسب کند، آن وقت است که گام اساسی در جهت اعتقادی و معرفتی برداشته می‌شود.

گفتنی است مراد از پاسخ به سطح نیازهای متعالی انسان با لحاظ بُعد اعتقادی انسان، معارف زمانه‌شناسانه ناظر به شرایط عصری حیات اجتماعی دین می‌باشد. در واقع تحول معرفتی، شرح معرفت‌های کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی نظام اسلامی و دستیابی به اندیشه راهنمای کلان جهت مدیریت برنامه‌های اسلامی است. بنابراین، به فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز، برای مسائل روز قرن حاضر، نیاز مبرم وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۱۷۵). لازم به ذکر است که از منظر امام خمینی، پاسخ به نیازهای اعتقادی انسان منوط به شناخت صحیح است؛ زیرا شناخت صحیح در همه کارها بسیار لازم است (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۵، ص ۴۰۶). البته باید گفت منبع ایجاد تحول معرفتی و اعتقادی در نظام اسلامی جهت شناخت صحیح و تربیت اعتقادی، علما و متفکران می‌باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۸، ص ۲۱۷). از این‌رو با لحاظ محورهای فوق، در نظام اسلامی، به لحاظ معرفتی، شخص به معرفت‌های کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی می‌رسد.

### ۵-۳-۲. پاسخ به نیازهای متعالی مرتبط با حوزه اخلاق

براساس حکمت متعالیه و در راستای دیدگاه امام خمینی، نظام اسلامی موظف است در انسان تحول

معنوی و اخلاقی ایجاد نماید. از منظر ایشان ضرورت تحول معنوی در انسان و جامعه در این است که با توجه به اینکه موثر در عالم وجود، فقط «الله» است، لذا انسان باید هرچه بیشتر خود را از حیث اخلاقی به خدا نزدیک کند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۱، ص ۴۵۵). لذا، افراد جامعه با هدایت نظام اسلامی، باید با بیداری و برانگیختگی درونی به سوی مبدأ مطلق، برای نیل به بالاترین درک وجدانی و جودی از توحید در بستر حرکت به سمت اهداف انقلاب اسلامی برخیزند (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۲۱). در واقع پاسخ به سطح نیازهای متعالی انسان با لحاظ بُعد اخلاقی انسان توسط نظام اسلامی، موجب افزایش انگیزه و بصیرت انقلابی در مجاهدت و مقابله با دشمن می‌شود.

از منظر امام خمینی، مسئولان حکومت اسلامی به عنوان فعالان اجتماعی که به سرنوشت دیگر انسان‌ها حساس هستند، باید این معنویت را ابتدا در درون خودشان بارور کنند، تا این معنویت عمق و علو پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۳۰۶). البته اخلاق و معنویت که توسط نظام اسلامی ترویج می‌شود، مستند به آیات و روایات، و به تعبیر ایشان اخلاق منطبق با قرآن (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۶، ص ۳۱۱) و با محوریت علمای مهذب می‌باشد. در هندسه فکری ایشان، معنویت واقعی در مکتب اهل بیت، معنویت بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی و به عبارتی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه پیش خدای متعال و همراه با جهاد است. در واقع از منظر ایشان اسلام، معنویت بدون نگاه به مسایل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۵، ص ۲۰۹). از این رو، با لحاظ محورهای فوق، در نظام اسلامی به لحاظ اخلاقی، شخص به ارزش‌ها و فضائل کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی دست می‌یابد.

### ۳-۳-۵. پاسخ به نیازهای متعالی مرتبط با حوزه فقه

مراد از پاسخ به سطح نیازهای متعالی انسان با لحاظ بُعد فقهی انسان، نیاز جامعه به شناخت و عمل به مجموعه قواعدی است که در فرهنگ اسلامی با عنوان فروع دین یاد می‌شود و در کنار مجموعه اعتقادی اصول دین، ناظر بر جنبه‌های عملی دیانت اسلامی است (رجبی نیا، ۱۳۹۱: ص ۳۲۲). قواعدی همچون قاعده «ضرورت لحاظ آینده جامعه اسلامی» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۴۵۲). قاعده «تقدم اهم بر مهم» (خرازی، ۱۳۸۳: ص ۱۰۸) و قاعده «دفع افسد به فاسد». براساس حکمت متعالیه و در راستای دیدگاه امام خمینی، در مسیر پاسخ به نیازهای فقهی، وظیفه حکومت این است که جامعه را در مسیر تطبیق رفتار فردی و اجتماعی آن با قواعد و احکام اسلام رهنمون سازد؛ به گونه‌ای که جامعه به لحاظ رفتاری مقید به شریعت باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۰، ص ۳۴۲).

بر این مبنا، هدف نظام اسلامی رهنمون ساختن جامعه به تحقق تعادل و عدالت در افراد و جامعه است، به گونه‌ای که افراد جامعه به انجام دادن دستورهای فقهی اسلام مقید باشند و از آنچه خداوند نهی کرده، اجتناب و دوری کنند. کسانی که با هدایت و نظارت نظام اسلامی دارای تربیت به این معنا شده باشند، انسانی متعادل می‌شوند؛ زیرا در وجودشان تعادل و عدالت برقرار می‌شود و مدیر مملکت وجود خویش می‌شوند و بر وجودشان ولایت پیدا می‌کنند (اسم حسینی و لک‌زایی، ۱۳۹۹: ص ۵۴۵). در دیدگاه امام خمینی، نظام اسلامی موظف به سوق دادن افراد جامعه به لزوم انطباق با قالب‌ها و معیارهای شرع می‌باشد. امام خمینی در راستای تبیین ویژگی‌های انسان کامل معتقد است چهره ظاهری انسان کامل، مسایل فقهی است که مجموعه نظام اسلامی باید از این بُعد انسان کامل بهره مناسب را بجوید (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۶، ص ۱۴۲).

براساس نظر ایشان، معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۱، ص ۴۶۸). لذا، با توجه به «فقه‌مداری» و «فقیه‌محوری» نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت، ضروری است که تمامی امور در نظام اسلامی، مبتنی بر فقه شیعی باشد. بر این اساس، نظام اسلامی پیش از هر چیز نیازمند تبیین و جا انداختن فقها در جامعه به عنوان کارشناسان قوانین فقهی می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۳، ص ۱۳). با توجه به محورهای فوق، در نظام اسلامی، به لحاظ فقهی، افراد جامعه به مبانی و معیارهای شرع، قالب‌های کلان، بنیادین، راهبردی و کاربردی دست می‌یابند.

## ۶. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر واکاوی ملاک نیازهای انسان و پاسخ انقلاب اسلامی به این نیازها در چارچوب حکمت متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی بود. در این پژوهش نیازهای انسان براساس حکمت متعالیه بررسی شد؛ زیرا حکمت متعالیه مناسب‌ترین چارچوبی است که در قالب آن، نیازهای جامعه شناسایی می‌شوند. نهضت اسلامی ایران با محوریت امام خمینی، در راستای حکمت متعالیه ملاصدرا شروع شد و سپس به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. بر اساس حکمت متعالیه، سلسله نیازهای انسان در ابعاد سه‌گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی بوده و سطوح و مراتب مختلف نفوس در انسان‌ها براساس حرکت جوهری در سطوح مادی (حیوانی)، انسانی و متعالی می‌باشد. با بررسی آثار علمی و بیانات امام خمینی، نحوه پاسخگویی انقلاب اسلامی به سطوح نیازهای انسان عبارتند از:

**الف: نظام اسلامی در پاسخ به سطح نیازهای مادی جامعه موظف است:** از حیث اعتقادی به گونه‌ای این سطح از نیازها را پاسخ دهد که نه تنها نیازهای اعتقادی انسان تضعیف نشوند، بلکه تقویت نیز بشوند. از حیث

اخلاقی می‌تواند با تشویق، توصیه و یا ابزارهای دیگر، اماکن دینی همانند مساجد و یا مراکز فرهنگی که کارکرد اخلاقی دارند را در کنار نیازهای مادی بگنجانند، و از حیث فقهی موظف است در پاسخ به نیازهای مادی جامعه، تمام ملاحظات فقهی اسلامی را لحاظ کند.

**ب: نظام اسلامی در پاسخ به سطح نیازهای انسان جامعه موظف است:** ملاحظات اعتقادی را مدنظر داشته باشد. لذا، حکومت می‌بایست جامعه را به سمت اعتقاد به مبدأ قدرت الهی و عدم هراس از قدرت‌های بیگانه سوق دهد. از حیث اخلاقی، اگر به نیازهای انسانی جامعه از سوی نظام اسلامی براساس آموزه‌های اخلاقی اسلام پاسخ داده نشود، موجب حاکمیت رذایل اخلاقی و در نتیجه دور شدن از سطح انسانی جامعه و سقوط به ورطه حیوانیت می‌شود. لذا، حکومت اسلامی می‌بایست نهاد و افرادی را متکفل تعلیم آموزه‌های اخلاقی در جامعه نماید و از حیث فقهی، اگر به نیازهای انسانی جامعه براساس قوانین فقهی اسلام پاسخ داده نشود، موجب خسارت و جنایت بر جامعه می‌شود، مانند عدم رعایت «قاعده نفی سبیل» در جریان تحمیل کاپیتولاسیون.

**پ: نظام اسلامی در پاسخ به سطح نیازهای متعالی جامعه موظف است:** وظیفه حکومت اسلامی این است که جامعه را از حیث اعتقادی به سمت معارف زمانه‌شناسانه ناظر به شرایط عصری حیات اجتماعی دین اسلام سوق دهد. نظام اسلامی به لحاظ اخلاقی موظف است افراد جامعه را به ارزش‌ها و فضائل کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی هدایت کند، و از حیث فقهی وظیفه حکومت اسلامی این است که جامعه را در مسیر تطبیق رفتار فردی و اجتماعی آن با قواعد و احکام اسلام رهنمون سازد؛ به‌گونه‌ای که جامعه به لحاظ رفتاری مقید به شریعت باشد.

از آنجا که بنای این پژوهش ارائه راه‌حل‌های کلان و بنیادین به‌عنوان نقشه راه، جهت پاسخ به سلسله نیازهای جامعه براساس حکمت متعالیه و دیدگاه امام خمینی بوده است، از این‌رو پیشنهاد می‌گردد که یک پژوهش جدیدی در زمینه نحوه پاسخگویی نظام اسلامی به سلسله نیازهای جامعه، به‌صورت کاربردی و مصداقی، به‌صورت کمی و یا کیفی (داده بنیادی) انجام گیرد.

## منابع

- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱). *تقریرات فلسفه امام خمینی*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ج ۳.
- اسم حسینی، غلامرضا؛ لکزایی، نجف (۱۳۹۹). مبانی اخلاقی توسعه سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۳: ص ۵۶۴-۵۴۳.
- امه طلب، مصطفی؛ نامدار، مظفر (۱۳۸۶). *حکمت صدرایی و انقلاب اسلامی ایران*. پانزده خرداد، شماره ۱۳: ص ۴۸-۱۵.
- پارسانیا، حمید؛ اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۲). عقلانیت سکولار و قدسی در ساحت جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی. *آیین حکمت*، شماره ۱۶: ص ۴۳-۷.
- جامعی، فهیمه (۱۳۸۴). رابطه نفس و بدن. *خردنامه صدرا*، شماره ۴۱: ص ۲۳-۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *فطرت در قرآن*. قم: اسراء، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۷/۲۵). *بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3357>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۴/۲۹). *بیانات در سالروز عید سعید مبعث*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶/۹/۸). *بیانات در دیدار جمعی از اساتید، فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3412>
- خدادی، حسن؛ منیری، حمیدرضا (۱۳۹۸). الگوی جستاری تشکیل دولت اسلامی با تاکید بر امت دولت‌ساز. *سیاست‌های اسلامی*، شماره ۱۶: ص ۱۸۳-۱۵۶.
- خرازی، سید محسن (۱۳۸۳). *تطبیق (کم‌فروشی)*. *فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۴۰-۳۹: ص ۱۵-۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). *استفتانات (للامام‌الخمینی)*. قم: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ الف). *صحیفه امام*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ج ۴-۸، ۱۰-۱۳، ۱، ۲۰-۲۱، ۱۵-۱۶.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ ب). *آداب الصلاة*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). *تفسیر سوره حمد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۹ الف). *دروس تفسیر سوره حمد جهاد اکبر یا مبارزه با نفس: نامه‌های اخلاقی-عرفانی*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۹ اب). *ولایت فقیه*. تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- رجبی‌نیا، داود (۱۳۹۱). *اسلام و زیبایی‌های زندگی، رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۲.

- قاسمی، کیمیا؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ مشکینی، ابوالفضل (۱۳۹۸). ارائه الگوی برنامه‌ریزی کالبدی شهر ایرانی اسلامی برای پاسخ به نیازهای انسان از منظر اسلام. *تقش جهان*، شماره ۳: ص ۱۷۸-۱۹۰.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجیان، محمدمهدی؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۵). منازل وجودی انسان در حرکت استکمالی عقل از منظر ملاصدرا. *پژوهش‌های هستی‌شناسی*، شماره ۹: ص ۳۵-۴۹.
- لکزایی، نجف؛ لکزایی، رضا (۱۳۹۰). تحلیل انقلاب اسلامی ایران در چهارچوب حکمت متعالیه. *پژوهشنامه متین*، شماره ۵۱: ص ۱۵۵-۱۳۱.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۸). *به سوی خودسازی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴). *اخلاق در قرآن*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی*. تهران: صدرا.
- معینی‌پور، مسعود؛ لکزایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹(۲۸): ص ۷۶-۵۱.
- ملاصدرا (۱۳۴۰). *رساله سه اصل*. به تصحیح سید محمدحسین نصر. تهران: انتشارات دانشکده معقول و منقول.
- ملاصدرا (۱۳۸۵). *الشواهد الربوبیه*. ترجمه و تفسیر جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ملاصدرا (۱۹۸۱م). *استفغان*. بیروت: دار احیاء التراث، ج ۷.
- واعظی، علی (۱۳۹۱). مبانی انسان‌شناسی حکومت دینی از منظر حکمت متعالیه. *کلام/اسلامی*، شماره ۸۱: ص ۷۲-۵۵.